

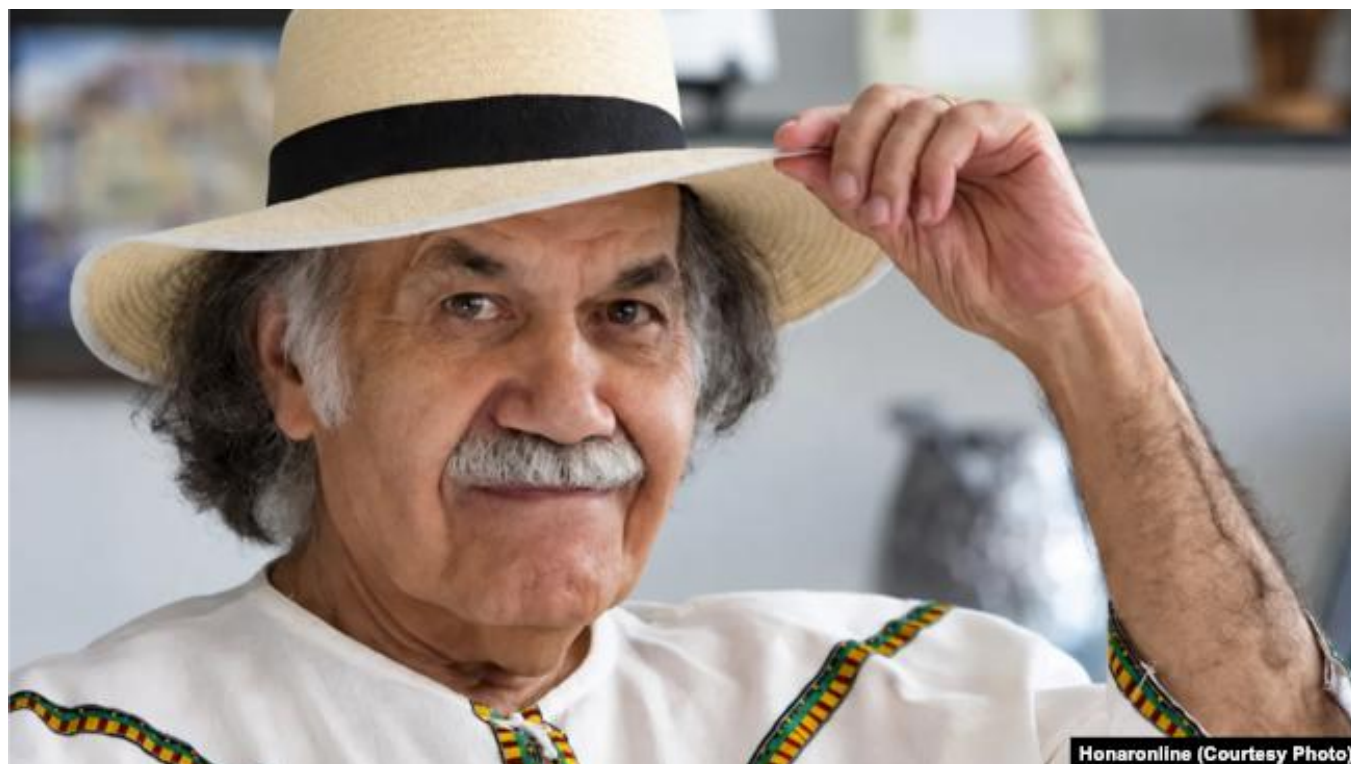
[View the original article](#)

فرهنگ و هنر ایران

سیروس ابراهیمزاده؛ خاموشی یک صدای متفاوت در تئاتر، تلویزیون و سینمای ایران

رادیو فردا

۳۱/ شهریور/ ۱۴۰۵



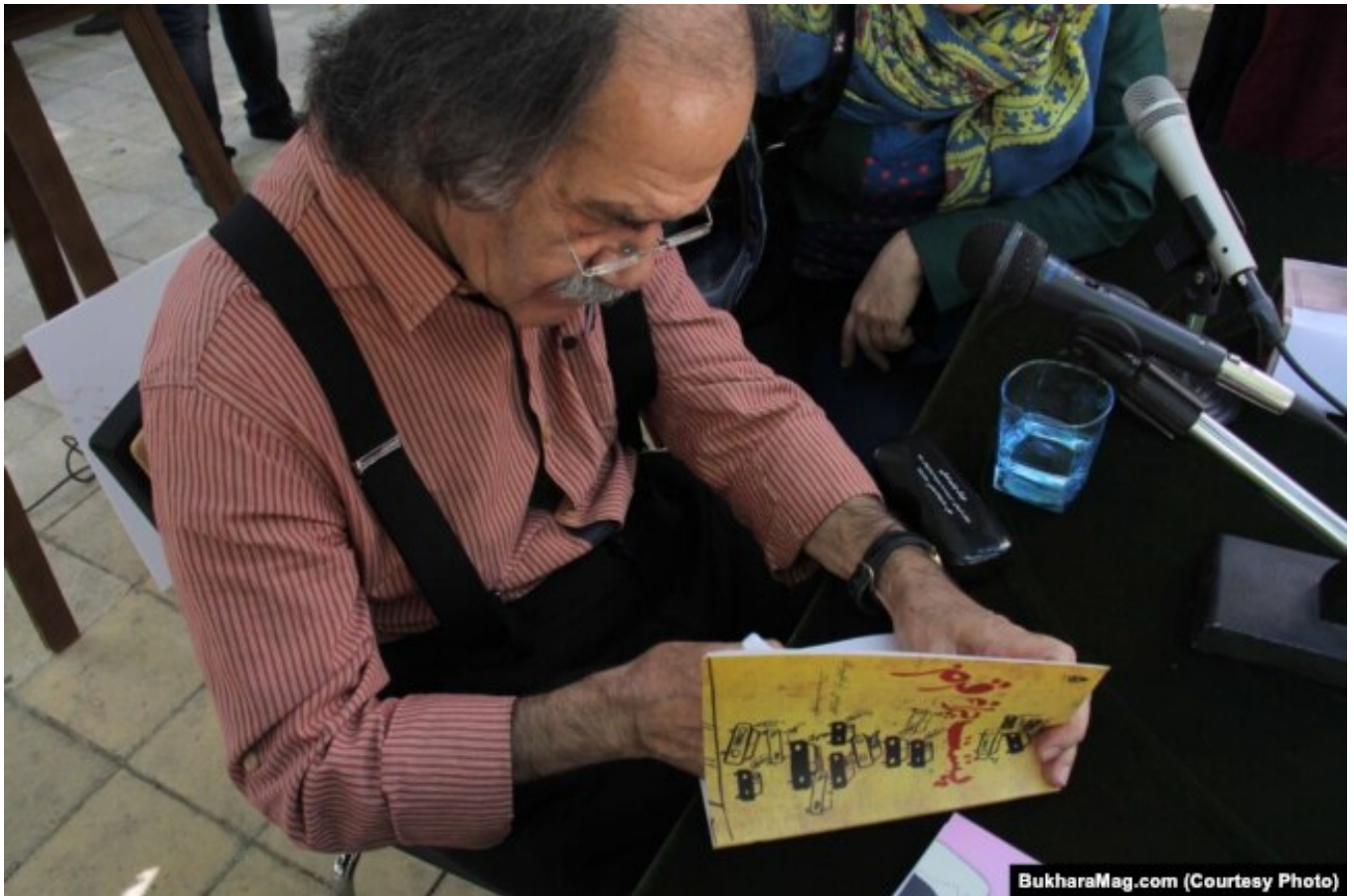
سیروس ابراهیمزاده، نمایشنامه‌نویس، صداپیشه و از کارگردانان و بازیگران باسابقه سینما، تئاتر و تلویزیون ایران که در سن ۸۹ سالگی در آمریکا درگذشت، جزو نسلی از هنرمندان ایرانی بود که نمایش و سینما را نه صرفاً یک شاخه از سرگرمی، بلکه یکی از پایه‌های فرهنگ مدرن می‌دانستند و در کنار این هنر، به ادبیات، ترجمه و رابطه میان هنرمند و جامعه نیز توجه داشتند.

بروز اولین استعدادهای ادبی و هنری در کودکی

سیروس ابراهیمزاده که در ۱۲ فروردین ۱۳۱۶ در اردبیل متولد شد، در کودکی به همراه خانواده به تهران نقل مکان کرد و در همان دوران تحصیل در دبستان علاقه خود به هنر را بروز می‌داد:

او بعدها در جلسه‌ای که از سوی نشریه بخارا در تهران برگزار شد، گفت که از خوش اقبالی بزرگ او، همکلاسی‌شدن با «هژیر داریوش» در دوره ششم ابتدایی بود. هر دو با هم انجمن نمایش تشکیل دادند و یک روزنامه هفتگی طراحی کردند.

ابراهیم‌زاده گفت: «شاید قلم من در نوشتن کتاب‌ها و دست‌نوشته‌ها مدیون روزنامه‌دیواری دوران کودکی‌ام باشد.»



ابراهیم‌زاده در دانشگاه تهران زبان و ادبیات انگلیسی خواند و سپس برای ادامه تحصیل در زمینه تئاتر به بریتانیا رفت، اما مسیر حرفه‌ای ابراهیم‌زاده از اوایل دهه ۱۳۳۰ در ایران شروع شد.

او که صدای خاصی داشت، در سال ۱۳۳۳ وارد رادیو شد و حدود ۱۰ سال در این رسانه فعالیت کرد. در این دوره با چهره‌هایی چون ایرج گرگین، رضا سیدحسینی، عبدالله توکل، تورج فرازمنند، محمد قاضی و فهمیه راستکار همکاری داشت.

در همین دوره بود که کار دوبلاژ یا صداپیشگی را نیز آغاز کرد. علی مصلح، روزنامه‌نگار و منتقد سینما، در این زمینه به رادیو فردا می‌گوید: «در واقع خیلی‌ها آقای ابراهیم‌زاده را با صدایش به یاد می‌آورند. یک زنگ و لحن خاصی در صدایش بود که همه‌جا تکرار می‌شد.»

از جمله آثار دوبلاژ او فیلم «دیروز امروز فردا» بود که ژاله کاظمی به‌جای سوفیا لورن حرف می‌زد و ابراهیم‌زاده به‌جای جیانی ریدولفی.

همچنین در اواسط دهه سی ابراهیم‌زاده کار نمایش را در گروه تئاتر آناهیتا آغاز کرد؛ گروهی که زیر نظر مصطفی و مهین اسکویی شکل گرفته بود و از جریان‌های مهم تئاتر آن زمان ایران به شمار می‌رفت.

ابراهیم‌زاده هنرمندی چندوجهی بود و از جمله در تلویزیون فعالیت گسترده داشت و علاوه بر بازیگری، در بخش اداری و تهیه‌کنندگی برنامه‌های هنری و تئاتر نیز مسئولیت داشت و از جمله «جشن هنر» را تهیه‌کنندگی کرد.

اما او نسبتاً دیر وارد سینما شد. در گفت‌وگویی که با خانه سینما انجام داد، در این باره گفت: «واقعیتش من اعتقاد به سینمای ایران نداشتم خیلی. یعنی اصلاً یک گروهی بودیم، گروه اندکی البته، که فکر می‌کردیم سینمای ایران هنوز آن ارزش این‌که آدم توش کار بکند نداشت.»

او افزود: «با این‌که کارهای بسیار خوبی هم شد ولی واقعیتش این است که من هنوز نمی‌توانستم خودم را راضی بکنم که سینمای ایران جایگاهی است که من می‌توانم به آن اهداف فرهنگی و هنری و خلاق خودم برسم.»

با این حال، دو هنرمند مطرح سینما و تلویزیون در همان پیش از انقلاب به سراغ ابراهیم‌زاده رفتند؛ یکی علی حاتمی که با دادن نقشی به ابراهیم‌زاده در فیلم «حسن‌کچل» او را وارد سینما کرد و دیگری پرویز صیاد، که علاوه بر فیلم‌های «صمد»، ابراهیم‌زاده را به عرصه تلویزیون کشاند و به او در سریال «اختاپوس» نقش داد.

در سال‌های پس از انقلاب، ابراهیم‌زاده در سریال‌ها و فیلم‌های مختلفی از جمله «کمال‌الملک»، «عطر گل یاس»، «آرایشگاه زیبا»، «چهره»، «همسر»، «تحفه‌ها»، «هتل کارتن»، «مسافر ری» و «مجسمه» ایفای نقش کرد.

علی مصلح، منتقد سینما، می‌گوید که فیلمسازانی که ابراهیم‌زاده پس از انقلاب با آن‌ها همکاری کرد، فیلمسازان مطرح دوره خود بودند که فیلم‌های پرمخاطبی ساختند:

«ابراهیم‌زاده بعد از انقلاب در سینما پرکارتر می‌شود و با تعدادی از مهم‌ترین فیلمسازانی که از بعد از انقلاب در سینمای ایران کار کردند، همکاری دارد. مثلاً در چند فیلم مهم سیروس الوند بازی کرد، یا با مهدی فخیم‌زاده، محمدرضا هنرمند، ابراهیم وحیدزاده، پوران درخشنده، داوود میرباقری، محمدعلی سجادی و سامان مقدم همکاری داشت. این‌ها در واقع فیلمسازان مطرح بعد از انقلاب‌اند که در سال‌های متفاوتی کار خودشان را شروع کردند، ولی در دوره‌هایی فیلم‌های پرمخاطب می‌ساختند.»

او می‌افزاید: «ابراهیم‌زاده هم کمدین بود، یعنی شاید عموم مردم به‌عنوان کمدین و در آثار کمدی می‌شناختندش و هم می‌توانست نقش‌های خیلی جدی بازی بکند. این هم در واقع انعطافی بود که در کار ابراهیم‌زاده به چشم می‌خورد.»

تأکید بر فعالیت در عرصه نمایش

با وجود شهرت سینمایی و تلویزیونی، ابراهیم‌زاده خودش را اساساً از تئاتر جدا نمی‌دانست و پس از انقلاب نیز در نمایش‌های مثل «جعفرخان از فرنگ برگشته» و «هیاهوی بسیار برای هیچ»، بازی کرد.

در دوره‌های مختلف نیز نمایشنامه نوشت و کارگردانی کرد و همچنین برخلاف نگاه رایجی که نمایشنامه‌خوانی را مرحله‌ای مقدماتی پیش از اجرای صحنه‌ای می‌داند، عقیده داشت نمایشنامه‌خوانی می‌تواند حتی از اجرای کامل نمایش، تخیل مخاطب را بیشتر فعال کند.

اما از اواخر دهه ۱۳۸۰ حضور ابراهیم‌زاده در سینما و تئاتر ایران کاهش یافت و بخش مهمی از زمان خود را در آمریکا گذراند.



علی مصلح می‌گوید که سرنوشت بسیاری از هنرمندان آن نسل پس از انقلاب به دو شکل رقم خورد: گروهی خانه‌نشین یا مهاجر شدند و گروهی که در ایران ماندند، به‌تدریج با تغییرات سینما و تلویزیون از جریان اصلی کنار گذاشته شدند.

به عقیدهٔ این منتقد سینما، بسیاری از بازیگران و هنرمندانی که از دهه‌های سی و چهل فعالیت می‌کردند، در سال‌های پایانی عمر دیگر جایگاه سابق خود را نداشتند؛ سرنوشتی تلخ برای نسلی چندبعدی که توانایی‌های هنری بسیاری داشت.

در مجموع، اهمیت سیروس ابراهیم‌زاده را شاید نتوان فقط در «بازی‌های ماندگار» او جست‌وجو کرد، بلکه این هنرمند را به دلیل جنبه‌های مختلف فعالیتش می‌توان یکی از چهره‌های واسط میان چند نسل از اهالی تئاتر، رادیو، تلویزیون و سینمای ایران دانست.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

فرهنگ و هنر ایران

بایگانی